

درگذشت شاعر آمریکایی

گروه‌ادب‌و هنر | جیمز تیت، شاعر برنده پولیتزر و جایزه کتاب ملی آمریکا پس از تحمل بیماری طولانی مدت در ۷۱ سالگی درگذشت. او که در سال ۱۹۶۷ با مجموعه «خلبان گمشده» وارد دنیای شعر شد، ۱۰۰ قطعه شعرش را در سال ۲۰۰۸ در مجموعه‌ای به چاپ رساند که با ادبیات محاوره‌ای، توجه قشر جهانی خوانندگان را به خود جلب کرد. تیت در سال ۱۹۹۲ برای چاپ گزیده‌ای از اشعارش جایزه معتبر پولیتزر را از آن خود کرد. همین مجموعه یک سال بعد برنده جایزه کتاب ملی آمریکا شد و شهرت بیشتری برای او به ارمغان آورد. سال ۱۹۹۵ بود که این شاعر جایزه «والاس استیونز» را از آکادمی شاعران آمریکایی کسب کرد.



گفت‌وگو با کریستین ریشتر، عکاس آلمانی

یک انتخاب کوچک و قوی



کریستین ریشتر، عکاس موفق‌ی است که متولد و ساکن آلمان است. او علاقه زیادی به کاوش و جست‌وجو در ساختمان‌های متروکه و قدیمی که اغلب دارای پلکان‌های مارپیچ زیبا و فریبنده که معمولاً سنگی و چوبی هستند، دارد. وقتی که او از بالای پله‌ها به سمت پایین نگاه می‌کند با یک‌سری تصاویر روبه‌رو می‌شود که آنها را پلکان متروکه می‌نامد و با دوربینش به ثبت آنها می‌پردازد. کریستین در شرق آلمان بزرگ شده است. بعد از اتحاد مجدد آلمان‌ها، بسیاری از ساختمان‌های بزرگ در آن منطقه از کشور که کریستین در آن بود به حالت متروکه در آمدند و او شروع به جست‌وجو در این ساختمان‌ها کرد. وی ابتدا به جهت سرگرمی این کار را انجام می‌داد ولی در سالیان بعد و آن هنگامی که به دنیای عکاسی وارد شد تمرکز خود را روی این موضوع گذاشت و با دقت بیشتری آن را دنبال کرد. شما باید از ساختمان‌های بسیار زیادی دیدن کنید تا یک پلکان عظیم را ببایید. او در حال حاضر برای یافتن چنین ساختمان‌هایی به اروپا سفر می‌کند و زمانی که یک مکان را بباید او Canon 5D mark II, 16-35mm f/2. 8 L lens را به همراه سه پایه آماده کرده و شروع به عکاسی می‌کند. در مجمو‌عه آثار این هنر مند می‌توان عکس‌هایی از ساختمان‌ها، مناظر طبیعی و پرتره را مشاهده کرد. از طریق اینترنت با وی گفت‌وگو کردم.

چه عاملی باعث شد که به هنر علاقه‌مند شوید و به فعالیت در این زمینه بپردازید؟
دوست دارم مسیری را در جهان خود داشته باشم.



موفقیت چه راهی را باید طی کند؟
باید سخت کار کند و تلاش خود را بارها تکرار کند.

اوقات فراغت خود را چگونه سپری می‌کنید؟
من رانندگی در پایین تپه‌ها و ورزش کردن را دوست دارم و به آن مشغول می‌شوم.

آیا در کار تان با شکست روبه‌رو شده‌اید؟
بله، اغلب اوقات حتی نمی‌دانم کاری را چگونه به فروش برسانم.

چه می‌شود که شما می‌توانید یک عکس خوب بگیری‌د؟
سوال خوبی است نمی‌توانم توضیحش دهم دقیقاً مانند یک احساس است.

برای آینده چه برنامه‌ای دارید؟
سعی و تلاش بیشتر و مسافرت به دیگر نقاط شگفت‌آور جهان.

به چه علاقه‌مندید؟
زندگی آزاد و اینکه هر چه را که ما میلید و می‌خواهید انجام دهید.

یک عکاس چه ویژگی‌ای باید داشته باشد؟
باید به فعالیتش علاقه و آفری داشته باشد.

موقع عکاسی به موسیقی هم گوش می‌دهید؟
به ندرت گوش می‌دهم اما موسیقی هیپ‌هاپ برایم جذاب است.

عامل اصلی موفقیت یک گالری‌دار از دید شما چیست؟
بر این عقیده‌ام که یک انتخاب کوچک و قوی اهمیت فراوانی دارد و او باید این انتخاب را انجام دهد.

به دانشجویان هنر در ایران چه پیشنهادی دارید؟
به دنبال رد پا رفتن کار بسیار دشواری است و بارها با ناکامی روبه‌رو خواهد شد ولی ممکن است تلاش کافی پس از زمان بسیار طولانی ثمر دهد.

حسین جمالی از مشکلات اجرای نمایشش گفت

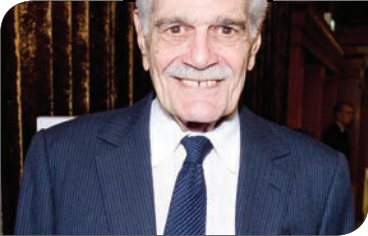
باز گشایی یک سالن و در دسرهای یک گروه

گروه‌ادب‌و هنر | حسین جمالی که چند وقتی است در گریز تمرین‌های نمایش «مجلس انتقام‌جویی هملت» است، از وضعیت اجرای نمایشش گفت؛ نمایشی که اگر در موعد مقرر به صحنه نرود بازیگران بسیاری از گروه جدا خواهند شد. این نمایش که قرار است در افتتاحیه سالن سایه‌به‌صحنه برود تاکنون درگیر بدقولی‌های تعمیرات این سالن شده‌است. جمالی که این نمایش را بر اساس متن «هملت» نوشته و ویلیام شکسپیر نوشته است، گفته: «با توجه به روند تعمیرات و شرایطی که پیمانکار این پروژه دارد این زمان باز هم به تأخیر افتاده و به‌ما احتمال داده‌اند که اواخر تیر یا اول مردامی توانیم نمایش مان را به صحنه ببریم. البته همه‌چیز روی کاغذ به درستی پیش می‌رود اما ممکن است باز هم این تاریخ قطعی نباشد.» اگر این زمان دوباره به تعویق بیفتد تعدادی از بازیگران کار در نیمه‌اجرائی می‌توانند همکاری‌شان را با گروه ادامه دهند. او گفته: «حیدر آقاپور قرار است نمایش خودش را به صحنه برود و خسرو شهزاد شهپور برای بازی در یک سریال آفیش است. علی عامل هاشمی و ارسطو خوش‌رزم نیز در نمایشی در تالار انتظامی اجرا خواهند داشت، بنابراین هماهنگ کردن گروه کار بسیار سختی خواهد شد.»
بایان و جو‌داگر قول و قرارهای مرکز هنرهای نمایشی و تئاتر شهربی‌ر زمان بازگشایی سالن سایه‌باز هم به تعویق بیفتد گروه با مشکلاتی جدی روبه‌رو خواهد شد. این نمایش پیش از این در جشنواره‌های آیینی و سنتی و فجر به صحنه رفته است و بر اساس برنامه‌های تعریف‌شده درباره سالن سایه مجموعه تئاتر شهر یکی از آثار موفق در زمینه اقتباس بوده که از ماه‌ها قبل مشخص شده آغازگر بازگشایی این سالن خواهد بود. جمالی گفته: «همیشه با ما و گروه‌ها با احترام رفتار شده‌است، بایان وجود در حال حاضر در تئاتر شهر مقام پاسخگویی وجود ندارد که با قطعت به ما زمان دقیق اجرای کارمان را اعلام کند و به نظر می‌رسد خانم مقتدی نیز کاری از دست‌شان ساخته نیست. در نهایت این اتفاقات باعث دل‌سرد شدن گروه‌های نمایشی خواهد شد.» خسرو شهزاد، و حید نفر، و حیدر آقاپور، علی عامل هاشمی، سارا عباس‌پور، مجید رحمتی، ارسطو خوش‌رزم، بهاء‌الدین مرشدی، مسیح کاظمی و میلادامامی بازیگران این نمایش هستند.
نمایش «مجلس انتقام‌جویی هملت» نوشته و کار حسین جمالی بعد از پایان بازسازی سالن سایه مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود.



#

گروه‌ادب‌و هنر | از جهان فرو بست. بازیگری که هم در مصر، زادگاهش موفق ظاهر شد و هم هنگامی که در فیلم‌های هالیوودی بازی کرد خودش را به جهان شناساند. او در فیلم «لورنس عربستان» توانست برای بازیگری نقش مکمل جایزه گلدن گلوب و نامزدی اسکار را به دست آورد؛ نقشی که متقدان آن را یکی از دشوارترین نقش‌های مکمل در تاریخ هالیوود دانسته‌اند. او که می‌توانست به زبان‌های فرانسوی، یونانی، ایتالیایی و عربی صحبت کند، نقش‌های مختلفی از ملیت‌های مختلف را در ۶۰ سال کاری‌اش بازی کرد. او به خاطر بازی در «لورنس عربستان» و «دکتر ژیاگو» به شهرت رسید. شریف که یک ماه در بیمارستان



بستری بود بالاخره جمعه ۱۹ تیر بر اثر حمله قلبی درگذشت. او در دوران بازیگری‌اش سه جایزه گلدن گلوب و یک نامزدی اسکار را به دست آورد. او در نقش‌های مختلفی ظاهر شد و شخصیت‌هایی چون چنگیز خان و چه‌گوارا هم بازی کرده است. فیلم تحسین‌شده دیگری که شریف در آن بازی

گفت‌وگو با فرهاد بابایی درباره رمان «جناب آقای شاهپور گرایی همراه خانواده»

چهره زیبا درآینه محذب

عکاس، حیدر جلیپور



می‌کرده‌اند که صرفاً خنده را به اشتراک خانواده گذاشته باشند. چگونه می‌شود که اینچنین خواننده به درد و غم بخندد؟ به یک دلیل و آن هم این است که یک متن یا کلا یک مدیوم خلاقه (سینما و تئاتر و...) از فشار مصیبت و اندوه زیاد، کاملاً اشباع شده، ناگهان روی برمی‌گرداند و منهدم می‌شود. جای پای مصیبت و غم و سوگواری چهره سوژه را دچار یک استحاله می‌کند. شکلش را بی‌هیچ قانون و منطقی تغییر می‌دهد یا به قول شما کاری می‌کند که نظاره‌گر تسلیم و مصاحبه را در این فرصت می‌خوانید.

در رمان «جناب آقای شاهپور گرایی همراه خانواده» دومین کتاب فرهاد بابایی است که در ایران به چاپ رسیده است. پیشتر نقدی بر رمان جدیدش نوشته‌ام که در همین صفحه منتشر شد، اما به علت تفاوت و اهمیت رمانش مصاحبه‌ای مفصل با او انجام دادم که قسمتی از این مصاحبه را در این فرصت می‌خوانید.

در رمان «جناب آقای شاهپور گرایی همراه خانواده» جامعه را به صورت واقعیت بیرونی به متن کشیدی. خندیدن به این رویارویی پیش از آنکه برآمده از طنز ساختگی باشد، ناشی از وضعیت مضحک خود ماست. رمانت را اثری طنز می‌دانی یا مساله اساسی دیدن چهره یک انسان زیبا در آینه محدب‌ی است که همه‌چیز را خنده‌دار جلوه می‌دهد؟

با بخش زیادی از تصورات و برداشتت در مورد طنز با شبهه طنز این رمان موافقم. در یکی از مصاحبه‌ها چپیزی گفته‌ام که اینجا هم تکرارش می‌کنم. از ابتدا قرار بود در طول نوشتنش گوشه چشمی هم به طنز داشته باشم اما با شروع کار، تقریباً فراموشش کردم. مسائلی در خط سیر داستان پیش آمد که برای خودم اصلا طنز نبود و چه‌بسا دردناک و غمگین بود. اما خوب، ما مردمی هستیم که با غم بزرگ شده‌ایم. اگر طنز هم رخ بدهد به جهت غم زیادمان است و شاید اصلا خودمان هم نفهمیم در چه شرایطی به سر می‌بریم. اگر دقت کنی می‌بینی این خانواده در هیچ کجا به خودشان و وضعیت‌شان نمی‌خندند. مورد شوخی و شادی برایشان وجود ندارد چون درون مشکلات زندگی و شب و روزشان به صورت اسفباری غرق شده‌اند. اما از بیرون این‌گونه نیست. دوستان و خوانندگانی بوده‌اند که به‌من گفته‌اند حین خواندن این رمان خنده‌شان بند نمی‌آمده یا یک جاهایی را دوبار می‌خوانده‌اند یا برای فردی از افراد خانواده دوباره خوانی‌اش



وضعیت جسمی شیدا جاهد از زبان همسرش

گروه‌ادب‌و هنر | شیدا جاهد چند سالی است که با بیماری سرطان دست و پنجه نرم می‌کند. مسعود جاهد همسر این خواننده که در سال‌های گذشته کاست‌های همخوانی او با گروه‌های مختلف منتشر شده است، از عمل جراحی همسرش گفته و اینکه

داشته، این پسر آغاز به نقد و تحلیل خودش و خانواده کند. تا حد متوسطی این سازوکار پیش رفت و بقیه‌اش رها شد. شخصیت حیشه اما جرقه‌های گاه و بیگاه و خطرناک خانواده گرایی است؛ عامل دلهره و یک نیم‌نگاه بیرونی به این خانواده. اما حالا نمی‌خواهم شخصیت‌ها را توضیح بدهم یا تفسیرشان کنم چراکه خوانندگان حضور دارند و من دیگر وظیفه‌ای ندارم. باورپذیری و ضرورتی که از آن صحبت کردی خیلی جالب است و صداپتیه نیاز به واکاوی در هر متنی

دارد. من تصور می‌کنم در نوسان است. گاه کفه یکی نسبت به دیگری سنگینی می‌کند و گاه هر دو در توازن و برابری هستند. من هر دو را در نظر می‌گیرم. مهم این است که درباره تکت‌ک شخصیت‌ها و روایت‌ها و خرده‌روایت‌ها شما به‌عنوان نویسنده از طریق هوش و مهندسی ذهنی‌ای که داری کدام را روی کدام کفه قرار دهی تا پاسخ مطلوب خود را دریافت کنی. آن پاسخ شخصیت‌ها چیزی نیست جز اصرار شما بر باورپذیری در آن لحظه و برهه از زمان یا ضرورت دراماتیک آن لحظه در رمان.

به رمان «ابسر آلودگی» کالوینو که نگاه می‌کنم می‌بینم مسائل شخصی و اجتماعی را به مساله محیط‌زیست که دغدغه جهانی شده، پیوند می‌زند. در آثار متاخر بسیاری از نویسندگان مطرح دنیا، همگی در خلال رفتارهای خود شخصیت‌های رمان‌شان، مضضلات و مسائل بزرگ‌تر را مطرح می‌کنند. بر مسیر نوشتن، این نگاه برای من معیار شده‌است. دوست دارم بدانم معیار تو از نظر معنا و محتوای مناسب ادبیات چیست؟

پرسش هوشمندانه‌ای است. چقدر خوشحالم که برایات با اهمیت جلوه کرده است. پاسخ به آن هم متعاقباً سخت است. البته آن دختر چیزی گفته یا درخواستی

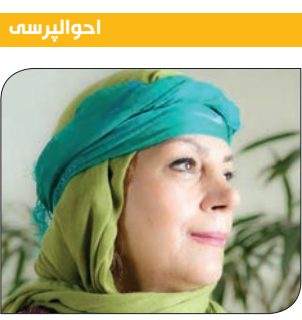
می‌توانم بگویم همیشه محتوا و معنای قصه‌هایم را بر مبنای فقر از همه نوع آن و سسلطه و ظلم گذاشتم‌ام. له‌شدن یک جمع یازوم کردن روی یک شخص واحد که برآمده از همان جمع است و در ادامه تعقیب او برای احقاق کیفیت شخصیت و حق و حقوقش و تلاش برای آزادی فردی. اصلا هم مهم نیست اجازه انتشار پیدا کند یا نه. بی‌گفت‌وگو بدیهی است که اگر بشود من خوشحال می‌شوم؛ چراکه خواننده‌ای خواهم یافت که باعث می‌شود بهتر خودم و شخصیتم را مرور کنم و پی ببرم چه کسی هستم، در غیر این صورت دل می‌دهم به تماشای مواد مذاب آتشفشان درونی‌ام که بیرون می‌ریزم و صبر می‌کنم بینم با سرد شدنش چه حجمی جلو رویم شکل می‌گیرد و این حجم در حالت مایعش در کجای ذهنم و درونم غوطه‌ور است و حالا که سرد شده روی کاغذ برایش چه کاری از دستم برمی‌آید.

اگر اشتباه نکنم رمان «جناب آقای شاهپور گرایی...» نخستین رمانت بود که در ایران چاپ کردی، چه چیز باعث شد به سمت ناشران داخلی بازگردی؟

برای من مهم و خوشایند است که کتاب‌هایم در همین جا اجازه چاپ داشته باشند. برای هر کتاب هم روال معمول را طی کرده‌ام و ناشرم هر کاری لازم بوده است انجام داده، ولی متأسفانه نتوانسته مجوز بگیرد. همیشه کتاب‌های قبل‌ترم مجوز نگرفتند یا آنقدر دچار حذقیات شدند که به خودم اجازه ن‌دادم چاپ‌شان کنم؛ چراکه چاپ کتاب به هر قیمتی برای من مضحک و ابلهانه است. اما در مورد بازگشت به ناشر داخلی باید بگویم بازگشت نبوده، چون من نرفته بودم. این رمان اگر اینجا تو ی ایران چاپ شد به این خاطر بود که همچنان‌که باز هم همان رویه سابق را در پیش گرفتم و از اقبال خوب این بار اجازه گرفتم؛ هر چند در روز دوم نمایشگاه و از غرفه ناشرم در نمایشگاه کتاب را جمع کردند و گفتند اجازه فروش در نمایشگاه کتاب را ندارند. باز خورد کتاب‌هایی که درخارج از ایران چاپ کردم مانند همین بازخورهایی است که در ایران می‌بینم شاید کمتر و جسته و گریخته‌تر. متأسفانه شرایط خوانندگان کتاب‌های فارسی آن‌سوی مرز بد است و زیاد دنبال مطالعه و خرید کتاب فارسی نمی‌روند. اما در همین جا باینکه این همه هم‌زبان داری باز هم فروش کتابت قابل توجه نیست. این مساله مربوط به من و کتاب من نیست. کلی رمانم در ایران چاپ شده است.

وسخن آخر؟

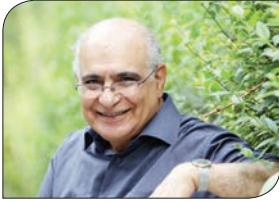
من تنها امیدوارم همچنان. دیگر اینکه از ناشران می‌خواهم با نویسندگان درست و صحیح و شایسته رفتار کنند؛ هم با نویسنده و هم اثرش. برای خود و نشر خود و سرمایه خود احترام قائل شوند. این هدف‌شان این نباشد که کسی را به زمین بکوبند و دیگری را پر پرواز دهند و به دروغ به آسمان بفرستند. خوانندگان از هر دوی اینان (نویسنده و ناشر) باهوش‌تر و باذکاوت‌تر هستند.



است. بیمه تکمیلی هم تا سقف ۱۰ میلیون تومان به ما پرداخت کرد.» او نامهای به علی مراد خانی، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشته که مرادخانی هم نامه‌ای برای صندوق هنرمدان نوشته‌است و دستور داده خیلی سریع به وضعیت شیدا جاهد رسیدگی شود. مسعود جاهد می‌گوید که هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است.

ادبیات

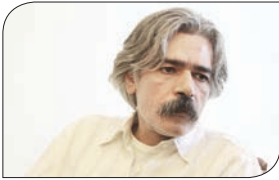
نامزدی برای جایزه آسترید لینگرن



گروه‌ادب‌و هنر | شورای کتاب کودک هوشنگ مرادی‌کرمانی را در بخش نویسندگی و پژمان رحیمی‌زاده را در بخش تصویرگری نامزد دریافت جایزه یادبود آسترید لینگرن ۲۰۱۶ کرد. این سومین بار است که شورای کتاب کودک مرادی‌کرمانی را برای دریافت این جایزه معرفی کرده است. او در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نیز از سوی شورای کتاب کودک به سبب آنچه «قلم روان و توانایی‌های منحصر به فردش» خوانده شد، نامزد دریافت جایزه آسترید لینگرن بوده است. البته یک بار هم در سال ۱۹۹۲ از طرف همین شورا نامزد دریافت جایزه هانس کریستین آندرسن شد. او تاکنون توانسته جایزه مارتینی، نویسنده و قهرمان ملی آمریکای لاتین را هم به دست آورد. مرادی‌کرمانی در کتاب‌های درسی و سینماگران را به خودش جلب کند و بسیاری از اقتباس‌های خوب سینما و تلویزیون ایران نیز مدیون نوشته‌های اوست. جایزه نقدی آسترید لینگرن به سه مبلغ پنج میلیون کرون سسوند، گران‌ترین جایزه ادبیات کودکان و نوجوانان و دومین جایزه بزرگ ادبیات در جهان است.

موسیقی

کمانچه در آمستردام



گروه‌ادب‌و هنر | کیهان کلهر بیشتر از اینکه یک هنرمند ایرانی باشد، جهانی شده است و با اینکه کنسرت‌هایش در ایران از طرف اداره اماکن به دلیل آنچه «ملاحظات امنیتی» دانسته شد، لغو می‌شود و اجازه اجرا در ایران پیدا نمی‌کند اما در کشورهای مختلف دنیا روی صحنه می‌رود. کلهر قرار است ۲۵ تیر در هلند و شهر آمستردام همراه «هاو نیاز» کنسرت برگزار کند. او می‌خواهد در این اجرا قطعاتی از موسیقی کردی را با نگاهی نو اجرا کند و خودش در این کوارتت کمانچه می‌نوازد. قرار است آینور دیوغان، سلمان قمیرف و جمیل گوچگیری او را همراهی کنند.

تئاتر

تجلیل از استاد



گروه‌ادب‌و هنر | چند سالی است که تئاتر ایران استادی را از دست داده که حتی زیادی به گردن تئاتر داشت. حمید سمندریان که ۲۲ تیر ۹۱ در ۸۱سالگی چشم از جهان فرو بست، یکی از شخصیت‌های مهم تئاتر ایران به شمار می‌رود. برای همین است که در سال‌روز درگذشت او یعنی ۲۲ تیر ساعت ۱۸ دوستانش در فرهنگسرای سرو دور هم جمع می‌شوند. برنامه‌ای که سعید اسدی آن را اجرا می‌کند و قرار است چند نفر از شاگردان او از جمله جمال اجلالی، پرویز پورحسینی، میکانیل شهرستانی و محمود رضا رحیمی در این آیین، تقدیر شوند. در این مراسم قرار است این نمایشنامه نیز با کارگردانی کوروش ساسانیان به صحنه برود.